

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد ل.

۲۹ جون ۲۰۱۱

## بررسی "غزوات" محمد

۸

قرآن – محمد و کشتار یهودیان

در نوشتار های قبلی تذکرات لازم پیرامون وضع حال و نیرو های جنگی محمد و اصدار فرامین و هدایات شان در مورد دشمنان شخصی شان داده شده است و درین نوشته می خواهم به حملات پیامبر اسلام به قصبه های یهودی نشین و تاراج اموال شان به استناد معتبر ترین تاریخ هائی که راجع به بعضی ازین حملات قبلا صحبت شده است روشنی اندازم باشد چهره اصلی پیامبر اسلام در وقت اقتدار و داشتن نیرو های جنگی کاملا روشن شود. در بررسی "غزوات" محمد بخش اول از حمله او شان به قبیله بنی قینقاع و بعدا حمله و تاراج به قبیله بنی نضیر سخن گفته شد. اینک می پردازیم به بررسی باقیمانده "غزوات" آن مبارک و آدمکشها و چپاول مسلمانان. بعد از جنگ خندق محمد ادعا نمود که جبرئیل او را ملاقات و در ملاقات به او گفته است که باید شمشیرش را از غلاف کشیده و به سمت قبیله بنی قریظه رفته و قتال کند و همچنان جناب جبرئیل گفته اند صفوفی از فرشتگان جلو تر از آنها رفته تا حصار ها و قلعه شانرا بلرزاند و در قلب های شان ترس و بیم بیفکنند (صحیح بخاری جلد ۵ کتاب ۵۹ ص ۴۴۳) سیرت الرسول ضمن تشریح جزئیات این وحی می نویسد:

جبرئیل پیامد و عمامه ای از استبرق در سر داشت و بر استر خنگ "خر سفید" نشسته بود و قطیفه دیباج (لباس ابریشمی) بر افکنده بود. پیامد و سلام کرد و گفت یا محمد سلاح بنهادی و ما که جمع فرشتگانیم هنوز از بهر دشمنان تو سلاح ننهاده ایم و این ساعت از طلب ایشان می آنیم تو چرا سلاح نکشودی؟؟ زود بر خیز که حق سبحان تعالی ترا می فرماید که سلاح در بند و به جنگ یهود بنی قریظه رو. از بهر آنکه عهد تو بشکستند و مخالفت تو نمودند و لشکر بر تو آورده اند و من از پیش می روم که زلزله در قلعه شان افکنم و گو شکهای شان بجنابم و چون جبرئیل علیه السلام برفت سید در حال برخاست و سلاح در پوشید و بفرمود تا منادی کردند که هرکس که مطیع خدا و پیامبر است باید که سلاح بر گیرد و نماز پسین به در حصن (قلعه، حصار) بنی قریظه رود. کسی نباید نماز را در اینجا بخواند بلکه همه باید نماز را در مقابل حصار بنی قریظه بخوانند و علی را بر خواند و سلاح به وی داد و

گفت:

تو از پیش لشکر برو. (سیرت ص ۷۴۹) در بین جا فهمیده نمی شود خداوندی که فرشته ها را برای لرزاندن قلعه ها پیشا پیش می فرستد می توانست آنها را هدایت دهد تا تمام آن قوم را بکشند و ضرورت به شمشیر محمد نبود به هر صورت محمد مؤذن را خواسته و هدایت داد که علیه بنی قریظه اعلان جنگ دهد و این **قصبه یهودی نشین مورد خشم محمد قرار گرفته** بود برای اینکه این مردم در حمله قریش به مدینه از مسلمانان دفاع نکرده بودند. محمد سپاهی متشکل از سی نفر جنگ جوی سوار و سه هزار جنگجوی پیاده از مهاجرین و انصار تهیه دیده و بر آنها حمله نمود.

علی قسم خورده بود یا اینکه قریه آنها را تصرف خواهد نمود یا اینکه کشته خواهد شد. محاصره محل سکونت بن قریظه ۲۶ روز به درازا کشیده و سر انجام بنی قریظه تسلیم شدند **محمد دستور داد مردان شانرا در محل جدا و زنان و اطفال شانرا در جای جداگانه زندانی سازند و دست های مردان را محکم ببندند.** پس از آن قبیله اوس به شفاعت از بنی قریظه نزد پیامبر خدا آمدند و استدعا نمودند که با آنها با ملایمت رفتار نمایند.

**محمد گفت که سعد بن معاذ** یک هم پیمان پیشین حکم این ماجرا شود و در مورد سر نوشت آنها حکمی صادر کند و آنها موافقت نمودند. سعد بن معاذ (او را در پائین همین نوشته معرفی می دارم) که در جر یان جنگ خندق زخمی شده و جراحات زیادی بر داشته بود حکم کرد که (تمام اشخاص مذکر سالم که به این قبیله تعلق داشتند باید کشته شوند زنان و کودکان باید اسیر شوند و اموال آنها باید بین رزمندگان مسلمان تقسیم شود) (صحیح بخاری جلد ۴ کتاب ۵۲ ص ۲۸۰) چاه هایی در بازار مدینه کنده شده و یهودیانی بین ۶۰۰ تا ۹۰۰ نفر سر بریده شدند و درون آن چاه ها افکنده شدند.

حیی بن اخطب رئیس قبیله بنی قریظه و پدر صفیه که در بین محاصره دستگیر شده بودند در حالیکه دستهایش با طنابی به گردنش بسته شده بود به نزد پیامبر آورده شد و با نپذیرفتن دین محمد از خود مقاومت نشان داد و ترجیح داد گردن زده شود تا اینکه با زور به آئین او در آید او را فرمان دادند تا بنشیند و گردنش را در یک لحظه زدند. برای جدا کردن مردان از پسر ها، جوان ها را بررسی می کردند اگر موی زهاری رویانده بودند کافی بود که مرد به شمار آیند و گردن زده شوند (سنن ابو داوود کتاب ۳۸ ص ۴۳۹) عطیه القریظی روایت کرده است:

من بین اسرای بنی قریظه بودم آنها (پیروان محمد) ما را از مایش کردند و هرکس که موی زهار در بدن او روئیده بود کشته شد و آنهایی که در بدن شان موی زهار نروییده بود زنده ماندند من جز آنانی بودم که موی زهار نداشتم. **سعد بن معاذ کیست ؟** او از اصحاب پیامبر بوده و خونخوار ترین آنها به شمار می رود. او کسی است که کشتن و خون ریزی را دوست دارد و دوستدار کشتن اسیران است چنانکه در حمله و محاصره بنی قریظه که هفتاد نفر را اول سر زدند و بقیه را اسیر ساختند او به محمد اظهار داشت که من چنان دوست داشتمی که از کشتن آنها دست بر نداشتمی و دوست داشتم ایشان را در حال کشته شدن دیدمی. و همچنان او در قضیه رسوائی عایشه با صفیان به محمد گفت: او حاضر است هر کی را محمد بگوید او بکشد. سعد از تمام بر نامه های آدمکشی او خیر داشته و مشاور او محسوب می شد و همچنان **محافظ شخصی محمد** بود. (صحیح بخاری ج ۳ کتاب ۴۸ ص ۸۲۹ – صحیح بخاری جلد ۵ کتاب ۵۹ ص ۴۶۹ – صحیح بخاری جلد ۵ کتاب ۵۹ ص ۳۷۸)